

گزارش «جوان» از بازدیدکنندگان، ناشران و ویراستاران نمایشگاه کتاب درباره صیانت از زبان فارسی

زبان مادری زیر چتر کتاب

محبوبه قربانی

هر سال وقتی اردیبهشت به نیمه‌می‌رسد، بعضی خانواده‌ها برنامهای مشخص دارند و آن هم «رفتن به نمایشگاه کتاب» است. در آنجا بچه‌ها دست در دست پدر و مادر، میان راهروهای شلوغ قدم می‌زنند، جلد کتاب‌ها را نگاه می‌کنند و دنبال یک کتاب داستان تازه یا دانشی جدید می‌گردند، ولی این همراهی در یک نگاه عمیق‌تر چیزی فراتر از خرید و پر کردن سبد کتاب است و آن ابعاد تربیتی، فرهنگی، هویتی و عاطفی آن است. به بهانه هم‌زمانی نمایشگاه کتاب با روز پاسداشت زبان فارسی، راهی نمایشگاه شدیم تا از دل همین خانواده‌ها بفهمیم برای حفظ زبان فارسی چه می‌کنند؟

■ در جست‌وجوی کتاب خوب در نمایشگاه

در غرفه کتاب کودک و نوجوان، مادری جوان داشت کتابی را برای دختر شش‌ساله‌اش ورق می‌زد. می‌گفت: «همیشه تلاش می‌کنم بچه‌ها شعر و قصه‌های فارسی بخوانند».

پدری هم کنار غرفه کتاب‌های داستانی نوجوان ایستاده بود که می‌گفت: «کتاب باید سرگرم‌کننده باشد اما آموزنده. دنبال کتاب‌هایی استم که واژه‌های فارسی قشنگی داشته باشد و موضوعاتش ایرانی، بچه‌ها را باید با ادبیات فارسی آشنا کرد تا در فضای مجازی گرفتار موضوعات و ادبیات‌های دیگر نشوند».

در غرفه‌ای دیگر، خانواده‌ای با سه فرزند قد نیم‌قد ایستاده بودند. پدر خانواده در حال آرام کردن پسرش بود که داشت برای خریدن یک کتاب داستان خارجی گریه می‌کرد. نزدیک آن مرد جوان شدم و سؤال را پرسیدم. او گفت: «سعی می‌کنم بچه‌ها را با سعدی و فردوسی آشنا کنم. ساده‌ترین راه هم این است که از بچگی کتاب‌هایی برای‌شان بخریم که رنگ و بوی زبان فارسی اصل داشته باشد. نامی توانیم بچه‌های‌مان را از اینترنت و فضای مجازی جدا کنیم، اما لاقابل با کتاب خوب می‌توانیم تعادل ایجاد کنیم».

مادری هم همراه دو پسر نوجوانش به نمایشگاه آمده بود. او از کمبود کتاب‌های جذاب با زبان فارسی روان و فاخر گلایه داشت و می‌گفت: «جای بسیاری از نویسنده‌هایی که روان می‌شنوند خالی است. زبان بعضی کتاب‌ها یا خیلی سنگین است یا بیش از حد عامیانه. همیشه دنبال کتاب‌هایی استم که بچه‌هایم را با ادبیات فارسی اصل آشنا کند ولی اجازه دهد حقیقتی را بگوید، پیدا کردن این کتاب‌ها خیلی سخت است».

دختری ۵ساله که با دوستش به نمایشگاه آمده بود گفت: «به‌نظرم اگر کتاب فارسی جذاب باشد، نوجوان جذب می‌شوند. یک بار یک مجموعه داستان کوتاه خریدم که به زبان ساده ولی خیلی با حال نوشته شده بود. همان مجموعه اسمش شد عاشق داستان‌نویسی شوم». در انتهای سالن غرفه کتاب کودک، پدری در حالی که کتابی درباره اسطوره‌های ایرانی را ورق می‌زد، گفت: «فرزندانم را با قصه رستم و سهراب بزرگ کردم. زبان فارسی فقط یک ابزار ارتباطی نیست، یک بخشی از هویت ماست. اگر کتاب خوب دست بچه‌های‌مان بدهیم، ریشه‌ها فروش نمی‌شود».

البته گلایه‌هایی هم بود از اینکه کتاب‌های جذاب با زبان فارسی روان و فاخر برای نسل جدید کم است. مادر جوانی می‌گفت: «زبان بعضی کتاب‌ها یا خیلی سنگین است یا بیش از حد عامیانه».

■ کتاب فقط برای فروش نیست، معرف زبان هم است

پس از گفت‌وگو با مخاطبان و بازدیدکنندگان نمایشگاه، سراغ ناشران و فعالان حوزه کتاب رفتم تا از میزان حساسیت و دقت آنها نسبت به زبان فارسی و تلاش‌شان برای پاسداشت این زبان در روند انتشار

نیره ساری

یادملایمی در هوای نیمه‌گرم اردیبهشت می‌وزد و بوی کاغذ نو، مرکب تازه و شور کتاب‌دوستی، فضای مصلاای امام خمینی (ره) را پر کرده است. نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، امسال هم به

عادت ۳۶ساله، میزبان هزاران مشتاق کلمه است؛ از ناشران کوچک تا کتاب‌دوستانی که ساعت‌ها در صف می‌مانند تا یک نسخه نایاب را به خانه ببرند. قدم که به مصلاای تهران می‌گذارید، اولین چیزی که به چشم می‌آید، هجوم واژه‌هاست. شعار امسال، «بخوانیم برای ایران»، همه‌جا خودنمایی می‌کند، پر سرود ورودی نمایشگاه، روی جلد دفتر جعبه‌ها و حتی در جملات پراکنده بازدیدکنندگان، اما در این میان، سؤالی ذهن‌مان را درگیر می‌کند: اگر برای ایران می‌خوانیم، آیا به زبان فارسی می‌خوانیم؟ ۲۵ اردیبهشت، بهانه‌ای شده به میسان انبوه بازدیدکنندگان نمایشگاه، سراغ دل‌های فارسی‌دوست برویم و راوی حرف‌های‌شان باشیم؛ روایتی از دل یکی از مهم‌ترین رویدادهای فرهنگی کشور، در زمانی که زبان فارسی بیش از همیشه نیاز به مهر، توجه و مراقبت دارد و فضای مجازی، با همه جذابیت‌هایش، میراث هزارساله ما را کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر می‌کند.

■ ■ ■

■ از غرفه‌های کتاب تاگفت‌وگفت با مردم

در راهروی ناشران عمومی، کنار غرفه‌های پسر از زمان و کتاب‌های تاریخی، با چند نفر از بازدیدکنندگان هم‌صحبت می‌شوم.

زهره، ۲۴ساله که از قضا دانشجوی زبان و ادبیات فارسی است، می‌گوید: «زبان ماهویت ماست. من شخصاً سعی می‌کنم حتی در فضای مجازی هم تا جای ممکن فارسی بنویسم. استفاده از واژه‌های بیگانه به‌خصوص در بین نوجوان‌ها زیاد شده، ولی اینکه دست‌کم آگاهانه تصمیم بگیریم از بعضی کلمات استفاده نکنیم، یک قدم مهم است».

نرگس، دبیر ریاضی دبیرستان دخترانه و معتقدان دانشجو مجازی باعث شده زبان فارسی دچار «فرسایش خاموش» بشود: «هر روز کلمات جدیدی وارد زبان ما می‌شبه که ریشه فارسی ندارند. مشکل اینجاست که بسیاری از افراد اصلاً متوجه نیستن که دارن زبان رو عوض می‌کنن. من تو کلاس‌به‌به تمرین گذاشتم، یک هفته فقط به‌جای کلمه آپدیت از به‌روزرسانی استفاده کنید. خیلی‌ها اولش خندیدن، ولی بعد که فکر کردن، فهمیدن این تلاش کوچیک چقدر مهمه». در غرفه‌ای شلوغ، دختری دانشجو یکسپای پر از کتاب، مکث می‌کند. وقتی از اهمیت زبان فارسی می‌پرسم، لیخندی می‌زند: «راستش من همیشه سعی می‌کنم از واژه‌های فارسی استفاده کنم، ولی توی فضای مجازی سخت می‌شه. انقدر همه هنجارگشیش می‌نویسن یا از کلمات

کتاب‌های‌شان بیشتر بدانم.

یکی از ناشران فعال در حوزه کودک و نوجوان گفت: «ما در انتخاب مترجم و نویسنده خیلی دقت می‌کنیم، زبان فارسی باید زنده بماند و در این زمینه کتاب بهترین راه است، مخصوصاً در کتاب‌های کودک،

واژه‌سازی و درست‌نویسی خیلی مهم است.»

ناشری دیگر از بی‌توجهی برخی نویسندگان و مخاطبان گلایه داشت و می‌گفت: «بعضی‌ها بیشتر دنبال داستان‌های ترجمه شده استند، ما تلاش می‌کنیم آثار فارسی زبان را تقویت کنیم ولی گاهی استقبال عمومی کم است».

مدیر انتشارات بارزهر(اس) هم گفت: «در دنیای امروز، واژه‌های بیگانه آنقدر در زبان روزمره ما جا افتاده است که گاهی کنند آنها از نوشتار و گفتار کار ساده‌ای نیست اما همین سختی، نباید ما را از تلاشی که برای حفظ اصالت زبان فارسی لازم است، باز دارد. اتفاقاً همین مقاومت‌هاست که می‌تواند زبان ما را زنده نگه دارد. در مجموعه ما، یکی از دغدغه‌های جدی، توجه به زبان فارسی در متون و کتاب‌هاست، حتی اگر باعث شود خوانش متن کمی سخت‌تر شود. سعی می‌کنیم تا جای ممکن، از واژه‌های فارسی استفاده کنیم، حتی در واژه‌هایی که امروز بسیار رایج شده‌اند، مثل «ریسک» به جای «خطرپذیری» تا جایی که بتوانیم از براب‌های فارسی استفاده می‌کنیم. این دغدغه، فقط بر دوش نویسنده و ویراستار نیست، ناشر هم نقش بسیار مهمی دارد. خیلی از واژه‌ها و عبارات

بیگانه چنان عادی شده‌اند که حتی خودنویسنده متوجه نمی‌شود؛ از کجا آمده‌اند، ما نمی‌خواهیم کسی را متهم یا نیت‌خوانی کنیم. گاهی فقط پای عادت در میان است؛ عادت‌ی که باید آرام‌آرام اصلاح شود، اما این کار، نیازمند عزم جدی و هماهنگی بین نهادهای فرهنگی است.»

در غرفه انتشارات هیرمند، یکی از فعالان این انتشاراتی با اشاره به تفاوت میان کتاب‌های تألیفی و ترجمه می‌گوید: «بعضی کتاب‌ها واقعاً جا دارد به زبان و فرهنگ ما حس شوند اما بعضی کتاب‌ها که ترجمه هستند، به اجبار باید خوانده شوند. زبان فارسی در اینجا فقط یک وسیله می‌شود زیرا آن کتاب در بستر زیستی خودش نوشته شده است نه با شرایط فرهنگی ما. به همین دلیل وقتی کتابی ترجمه می‌شود، ارتباط



یک پدر در نمایشگاه کتاب: سعی می‌کنم بچه‌ها را با سعدی و فردوسی آشنا کنم. ساده‌ترین راه هم این است که از بچگی کتاب‌هایی برای‌شان بخریم که رنگ و بوی زبان فارسی اصل داشته باشد. نامی توانیم بچه‌های‌مان را از اینترنت و فضای مجازی جدا کنیم، اما لاقابل با کتاب خوب می‌توانیم تعادل ایجاد کنیم

اهالی سی‌وششمین نمایشگاه کتاب تهران ما را به پاسداری از زبان فارسی دعوت می‌کنند

برای ایران بخوانیم، به فارسی وفادار بمانیم

کمی آن طرف‌تر، مردی میانسال که کتابی درباره تاریخ زبان فارسی در دست دارد، با جدیت می‌گوید: «لر ما فارسی رو فراموش کنیم، انگار ریشه‌مون قطع کردیم. من خودم توی خونه جلوی بچه‌هام وایستادم که از واژه‌های بیگانه استفاده نکنن. مثلاً به‌جای «لایگین» می‌گیم «ورود»، ولی خب سخت».

در غرفه‌ای شلوغ که بیشتر کتاب‌های شعر معاصر را عرضه می‌کرد، با مردی به نام آقای رضایی آشنا می‌شوم. معلم بازنشسته زبان فارسی است و با نگاهی جدی به کتاب‌ها چشم دوخته. وقتی درباره زبان فارسی می‌پرسم، می‌گوید: «من ۳۰سال از عمرم رو صرف آموزش فارسی کردم. خیلی ناراحت‌کننده‌س که نسل جدید گاهی حتی معنی بعضی واژه‌های ساده فارسی رو نمی‌دونه. ما باید در خانواده، مدرسه و رسانه‌ها بیشتر کار کنیم. زبان ما تنها ابزار حفظ فرهنگ‌مونه. چرا جوون‌های ما اینو متوجه نیستن؟»

■ فارسی در لابه‌لای کودکی‌ها

از غرفه شعر به سمت بخش کودک و نوجوان می‌روم. اینجا، رنگ‌ها شادتر و صداها بلندترند. بچه‌هایی که با هیجان کتاب ورق می‌زنند، والدینی که دنبال کتاب‌های مناسب سنی فرزندانشان هستند و مربیانی که کودکان را تشویق به کتابخوانی می‌کنند.

در این شلوغی، دختر بچه‌ای حدود ۱۰ساله با لیخند کتابی به بغل گرفته. وقتی از او می‌پرسم چرا این کتاب را انتخاب کرده است، می‌گوید: «چون شعرهای قشنگی توش داره. ما مانم گفته هر چی بیشتر شعر حفظ کنم، قشنگ‌تر می‌تونم حرف بزیم»! مادرش، خانم احمدی که معلم دبستان است، با افتخار ادامه می‌دهد: «من همیشه سعی کرده‌ام بچه‌هام رو با زبان فارسی درست آشنا کنم. خودمون باید مراقب باشیم که نسل جدید، زبان رو از دست ندن. حتی وقتی کارتون بافارسی آشنا بچونه».

پدری با یک کودک پنج‌ساله، به نمایشگاه آمده تا کتاب کودک بخرد: «بچم از حالا با کلمات انگلیسی آشناست چون تونیم‌شون با بازی‌ها پر شده از واژه‌های خارجی، ولی خودم هر جاتونم، فارسی‌شو براش می‌گم. مثلاً به جای «استوری» می‌گم داستانک».

■ بی‌اعتنایی کامل به زبان مادری

از چند نفر دیگر هم می‌پرسم آیا تا حالا سعی کرده‌اید حتی فقط یک واژه بیگانه رو از حرف‌ها‌تون حذف کنید؟

مدیرمسئول: محمد جواد اخوان

سردبیر: غلامرضا صادقیان

دبیر ویژه‌نامه: حسین گل محمدی

همکاران تحریریه: نیره ساری، مرضیه بامیری

نیره محمودی، محبوبه قربانی

چاپ: همشهری

کاشانه



یک ویراستار حاضر در یکی از غرفه‌ها قبل از پاسخ به سؤال به کار جمعیت ویراستاران این لقب را داد «پاسداری خاموش از زبان فارسی». این لقب گویای نقش ویراستاران در حفظ زبان فارسی بود. وی در ادامه گفت: «بسیاری از نویسندگان جوان زبان نوشتاری قوی‌ای ندارند. ما در مرحله ویراستاری تلاش می‌کنیم هم لحن فارسی حفظ و هم از واژه‌های درست استفاده شود اما همیشه این فرصت و زمان نیست. نمایشگاه می‌تواند فرصتی باشد برای معرفی کتاب‌هایی با نثر درست و غنی، ولی متأسفم، چراکه هنوز نگاه اقتصادی بر نگاه فرهنگی غلبه دارد.»

■ «ویراستاری» پرستاری از زبان فارسی است

سلمان احمدوند از ویراستاران پرکار حوزه کتاب نیز در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: «وضعیت زبان فارسی در آثار منتشرشده یک دست نیست و از ناشری به ناشر دیگر متفاوت است. برخی ناشران که نام و اعتبار و آوازه‌ای در بازار کتاب دارند، نسبت به کاربست زبان فارسی حساسیت‌های ویژه خود را دارند و می‌کوشند ضوابط درست‌نویسی را رعایت کنند. سواى این، نویسندگان مخاطب آنها عمدتاً خود صاحب قلم و به آداب درست‌نویسی واقف هستند».

او درباره نقش ویراستاران در حفظ و ارتقای زبان فارسی افزود: «به تعبیر مرم‌ساحت ویرایش استاد روان شاد احمدسمعی گیلائی، «ویراستاری، پرستاری است». ویراستار همچون پرستاری مجرب و مشفق، دل‌نگران سلامت زبان و دغدغه‌مند تیمار متن است. بی‌نقش آفرینی او، حتماً کمیت کارلنگ است و چرخه نشر معیوب.»

این ویراستار در پاسخ به این سؤال که ویرایش متون فارسی با چه چالش‌هایی مواجه است، می‌گوید: «وضعیت زبان فارسی در آثار منتشرشده یک دست نبود شیو‌نم‌های واحد در املا و دستورخط (زبان‌نگاره) است. تلاش‌هایی در این زمینه انجام شده است که بی‌شک مبارک و م‌اجور است اما کافی نیست. فرهنگستان زبان و ادب فارسی، به عنوان نهاد مرجع و متولی بالایش و ویرایش زبان فارسی، باید با همفکری ناشران، صاحب‌نظران و فعالان صنعت نشر، شیو‌نم‌های معیار و منقح تدوین کند و به آشتنگی‌ها در این حوزه پایان دهد».

احمدوند همچنین درباره نقش انجمن صنفی ویراستاران نیز گفت: «هادهایی هم‌چون انجمن صنفی ویراستاران با ارائه خدمات حرفه‌ای در شاخه‌های مختلف و متنوع نگارش و ویرایش و بهره‌گیری از دانش و تجربه مفاخر و چهره‌های عرصه ویرایش، می‌توانند کمک شایانی به اعتلای این پیشه و ارتقای استانداردهای آن کنند». احمدوند در خصوص نقش ویراستار در مواجهه با ترجمه‌های نادرست و استفاده بی‌رویه از واژگان بیگانه نیز گفت: «ترجمه هیچ کم از تألیف ندارد و نقش مترجم خیره در غنای زبان مبدأ و توسعه امکانات آن، همسنگ نویسنده چیره‌دستی است که با قلم شیوای خود به یو‌بایی و چالاک‌ی در این زبان، ویراستار را در نوشتن ناچار و بسند و بلند کار را زیرا ل‌و بر درست‌نویسی فارسی، اصالت ترجمه و وفاداری به متن اصلی نیز اهمیت می‌یابد».

این ویراستار در پایان، درباره اقدامات شخصی‌اش در صیانت از زبان فارسی گفت: «همه‌ی ویراستاران چنان است که هیچ اثری از آن بی‌نیاز نیست. برای صیانت از زبان، نخست باید آن خو گرفت. راه آن نیز در مطالعه گرفتن میراثی است که در ادبیات قدیم و جدید- هر زبان و گونه‌های متنوع آن، از نظم و نثر تا شعر و داستان و رمان، با تأییدهاست. افزون بر این، ویراستار باید اهل نوشتن باشد و بسند و بلند کار را بداند. چه «سوخته داند که چیست، پختن سو‌ای خام، من در این وادی طفلی ایجادخو‌ام که افتان و خیزان به پیش می‌رود و می‌کوشد که به توصیه مولاناآب کم جوید و تشنگی طلب کند.» آب کم جو، تشنگی آور به دست/ تا بچ‌وشت آب از بالا و پست».

پاسخ‌ها جالبیه: یکی می‌گوید: «بله، واژه «پدیت» رو گذاشتم کنار، به جاش می‌گم به‌روزرسانی».

دیگری با خنده می‌گوید: «تلاش کردم «ستارت» نگم، ولی خب هنوز گاهی می‌بره وسط حرف‌هام».

و فضای مجازی؟ تقریباً همه کسانی که با آنها گفت‌وگو کردم، معتقد بودند فضای مجازی تأثیر زیادی در تضعیف زبان فارسی دارد. فاطمه دانشجوی زبان انگلیسی است و می‌گوید: «پینستا و تگرام پر از واژه‌های انگلیسیه، حتی وقتی بخو‌ای فارسی بنویسی، فکر می‌کنی داری سخت‌فهم‌نویسی می‌کنی».

در راهرو یکی از سالن‌ها، گروهی از نوجوانان مشغول صحبت هستند. از ظاهرشان پیداست که مخاطبان جدی فضای مجازی هستند. به گفت‌وگوی‌شان نزدیک می‌شوم، بیشتر جمله‌ها ترکیبی است از فارسی و واژه‌های انگلیسی: «اون پست رو دیدی؟ فول cringe بود»، «به‌ری اکشن خفن داد روش»، «ل‌گوریتمش تغییر کرده، دیگه نمی‌تونن راحت وایرال شی».

از بسری ۱۵ساله به‌رام آش درباره زبان فارسی می‌پرسم. شانه بالا می‌اندازد و بی‌تفاوت می‌گوید: «راستش رو بخو‌این، ما بیشتر انگلیسی حرف می‌زیم. هم تو گیم، هم توی چت. فارسی به‌جوری قدیمیه... خیلی از واژه‌هاش کند و سنگینه. تازه ا‌گه بخو‌ای کامل فارسی حرف بزنی، بقیه فکر می‌کنن عجیب و غریبی!».

می‌پرسم آیا اصلاً دغدغه‌ای درباره حفظ زبان دارد؟ لحظه‌ای سکوت می‌کند، بعد لیخند کجی می‌زند: «نه واقعاً... به‌نظرم مهم نیست. زبان هم مثل د‌دیگه، الان نوبت انگلیسیه! اصلاً دنیا داره انگلیسی صحبت میکنه، بعد ما بیاییم فارسی حرف بزیم».

صداقتش تلخ است. نشانی می‌دهد برای بخشی از نسل امروز، فارسی دیگر نه زبان هویت در فضای حاشیه‌ای شده است؛ زبانی که در میدان پرسرعت، جذاب و الگوریتم‌محور فضای دیجیتال، فرصت رقابت با واژه‌های درخشان و مختصر بیگانه را از دست داده است. اینجا، خطر نه در حضور واژه‌های خارجی که در بی‌اعتنایی کامل به زبان مادری است.

■ حرف آخر

میان هیاهوی نمایشگاه کتاب و صدای ورق خوردن کتاب‌ها، روایت‌های متفاوتی از سرنوشت زبان فارسی شنیده شد، از کسانی که با عشق و آگاهی در فضای مجازی برای پاسداری از واژه‌های فارسی تلاش می‌کنند تا آنهایی که بی‌تفاوت از کنار این میراث هزارساله عبور می‌کنند. زبان فارسی امروز، بیش از همیشه در کنشکش میان جذابیت‌های دنیای مدرن و ریشه‌های فرهنگی‌اش ایستاده. اگر چه نشانه‌هایی از امید و آگاهی دیده می‌شود، اما هنوز توجیهی‌ها هم کم نیست. آنچه روشن است، اینکه آینده زبان، در گرو تصمیم‌های امروز ماست، چه در صفحه‌های مجازی، چه در دل کتاب‌ها.



احمد سمعی‌نژاد ایران

تاریخی کلمات فارسی فاصله می‌گیریم، توی داستان نویسی هم سعی می‌کنم حتی‌الامکان از واژه‌های ناب فارسی استفاده کنم، چون زبان، بخشی از روایت ماست».

کمی جلوتر، خانواده‌ای با سه فرزند در حال خرید کتاب هستند. پدر خانواده، آقای کریمی، مهندس کامپیوتر است و می‌گوید: «همیشه سعی می‌کنم بچه‌هام با فارسی در دست آشنا بشن، چون اگر ما بزرگ‌ترها فارسی رو کنار بذاریم، بچه‌ها دیگه فرصتی برای شنیدن یا یادگیریش ندارن».

در سالن ناشران دانشگاهی، استاد دانشگاهی با دقت مشغول بررسی کتاب‌های زبان‌شناسی است. لیخند می‌زند و می‌گوید: «شاید مهم‌ترین وظیفه ما در این روزها، ترویج زبان علمی فارسی باشه. دانشجو نتونه یک مفهوم علمی رو به فارسی بیان کنه، یعنی مادر انتقال دانش و بومی‌سازی اون موفق نبودیم. این فقط مسئله زبان نیست، مسئله توسعه فرهنگی و علمی کشوره».